

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: مصمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

شرق

سه‌شنبه ۸ اسفند ۱۴۰۲ • ۱۷ شعبان ۱۴۴۵ • ۲۷ فوریه ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۷۸۲ • ۱۲ صفحه

اذان ظهرتهران ۱۲:۱۷ • اذان مغرب ۱۸:۱۵ • اذان صبح فردا ۵:۱۳ • طلوع آفتاب ۶:۳۷

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

چقدر ذخیره آب زیرزمینی داریم؟



مهدی زارع

می‌دهد. تا مرداد ۱۴۰۰، سرانه آب ایران حدود هزارو ۵۰۰ مترمکعب است که کمتر از هفت هزار مترمکعب سرانه موجود در سال ۱۳۳۵ است. بر اساس یک مطالعه در سال ۱۳۹۳، ۲۷۷ دشت از ۶۰۹ دشت ایران به دلیل کاهش سطح آب زیرزمینی در وضعیت بحرانی قرار دارند. این تعداد در سال ۱۴۰۲، ۴۲۲ دشت گزارش می‌شود. آب‌های زیرزمینی ایران بین سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۴۰۲ حدود ۱۱۰ کیلومترمکعب (میلیارد مترمکعب) کاهش یافت. این مقدار نشان می‌دهد که حدود ۶۰ درصد از برداشت آب بازگشت‌ناپذیر از سفره‌های آب زیرزمینی ایران در ۵۸ سال گذشته فقط در ۲۲ سال اخیر اتفاق افتاده است. برداشت گسترده آب‌های زیرزمینی کشور باعث کاهش خالص سالانه حدود ۵.۴ کیلومترمکعب از آب‌های زیرزمینی تجدیدناپذیر شده است. ایران کشوری خشک و مستعد خشک سالی با آسیب‌پذیری فزاینده در برابر این مخاطره طبیعی است. میانگین مصرف سالانه آب در ایران حدود ۹۶ میلیارد مترمکعب برآورد شده است که حدود هشت درصد بیشتر از کل منابع آب تجدیدپذیر ایران ۸۹ میلیارد مترمکعب است یا حدود ۸۰ درصد بیشتر از سطح آستانه کمبود کشور -حدود ۵۳ میلیارد مترمکعب- است. رواناب سطحی مجموعاً ۹۷ میلیارد مترمکعب در سال نشان می‌دهد که ۵.۴ میلیارد مترمکعب در سال از زهکشی سفره‌های زیرزمینی حاصل می‌شود؛ بنابراین باید از کل کم شود. تغذیه آب زیرزمینی حدود ۴۹ میلیارد مترمکعب در سال برآورد شده است که ۱۳ میلیارد مترمکعب در سال از نفوذ در بستر رودخانه به دست می‌آید و همچنین نیاز به کم‌کردن دارد. ایران باید ۶.۷ میلیارد مترمکعب در سال آب سطحی را از پاکستان و مقداری آب از افغانستان از طریق رودخانه هیرمند

دریافت کند که عملاً در سال‌های اخیر دریافت نمی‌کند. دبی رودخانه ارس در مرز جمهوری آذربایجان حدود ۴.۵ میلیارد مترمکعب در سال برآورد شده است. رواناب سطحی به دریا و دیگر کشورها ۵۶ میلیارد مترمکعب در سال برآورد شده است. سرانه دسترسی هر ایرانی به آب در دوران قبل از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ حدود چهارهزارو ۵۰۰ مترمکعب بود. این رقم در سال ۱۳۸۸ کمتر از دو هزار مترمکعب و در سال ۱۴۰۲ به حدود هزارو ۲۰۰ مترمکعب رسید. خشک سالی‌های اخیر میانگین بارندگی طولانی‌مدت را از ۲۵۴ میلی‌متر به حدود ۱۷۰ میلی‌متر در سال‌های آبی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ به بعد کاهش داده است که معادل حدود یک چهارم میانگین جهانی و کمتر از نیمی از بارندگی قاره‌ای در آسیاست. میزان متوسط بارندگی تجمعی در ایران ۴۰۵ میلیارد مترمکعب در سال برآورد شده است که از این میزان حدود ۲۸۰ میلیارد مترمکعب به‌طور مستقیم از طریق تبخیر و تعرق تلف می‌شود که کمتر از ۱۲۰ میلیارد مترمکعب باقی‌مانده در مخازن آبی کشور -۹۰ میلیارد مترمکعب آب‌های سطحی و ۳۰ میلیارد مترمکعب آب زیرزمینی- است. از سال آبی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ به بعد بارندگی تجمعی در ایران حدود ۲۷۰ میلیارد مترمکعب برآورد می‌شود که حدود ۱۹۰ میلیارد مترمکعب آب تبخیر می‌شود و تنها حدود ۸۰ میلیارد مترمکعب برای آب‌های سطحی و زیرزمینی ایران باقی می‌ماند. این آمار نشان می‌دهد روند حاضر تا چه حد بحرانی است. اگر بارندگی‌ها به همین ترتیب و روال کم بماند و گرم‌ترشدن زمین در محدوده ایران نیز ادامه داشته باشد، تا ۱۴۲۰ بسیاری از سفره‌های آب زیرزمینی ایران عملاً از بین خواهند رفت.

چشم‌انداز آینده سطح آب زیرزمینی ایران به اثربخشی این اقدامات در مهار برداشت بیش از حد و ترویج استفاده پایدار از آب بستگی دارد. پیش‌بینی‌های تغییر اقلیم تغییرات بالقوه در الگوهای بارش را نشان می‌دهد و می‌تواند بر میزان تغذیه مختلف ایران اثر بگذارد. ایران ممکن است منابع آب زیرزمینی خود را به‌طور کامل مصرف کند.



عبدالرضا صافعی

متخصص مغز و اعصاب

کشف حقیقت به‌عنوان موضوعی که در کنش سیاسی اتفاق می‌افتد، در دنیای ما بسیار سخت و چه‌بسا ناممکن شده است. می‌توانیم درباره واقعیت جهان به‌عنوان امری فیزیکی صحبت کنیم. مثلاً اینکه آیا آنچه می‌بینیم یا حس می‌کنیم، وجودی عینی دارد یا نه. این موضوع نیز هرچند تابعی از نظریات ماست اما جست‌وجوی آن ملموس بوده و می‌توان به شکلی نظام‌مند درباره چگونگی آن صحبت کرد. اما حقیقتی که در کنش سیاسی اتفاق می‌افتد، از جنس دیگری است؛ حقیقتی که گفت‌وگو بین مردمان به آن شکل می‌دهد و به دنبال خود می‌تواند رفاهی اخلاقی مدارانه را به ارمغان بیاورد. اما نکته مهم اینجااست که به نظر می‌رسد این گفت‌وگو هیچ‌گاه در جهان ما رخ ن داده و آنچه حقیقت در عرصه کنش سیاسی را تعیین می‌کند، متأثر از عوامل بسیاری است که بیشتر مبتنی بر نقش آنها در بقای فرد یا اجتماع است. همین موضوع می‌تواند به قیمت پنهان‌کردن حقیقت از دید ما اتفاق بیفتد. بقا موضوعی معطوف به حقیقت نیست و بر اساس منافع ما عمل کرده و سعی می‌کند آن چیزی را به دایره پردازشی ما وارد کند که به بقای ما کمک کند. پس لزوماً ارتباط مستقیم با جهان واقع مدنظر چنین سیستم تکاملی‌ای نیست. هدف تکامل حفظ گونه و بقای آن است. هدف انطباق با جهان واقع نیست. این صحبت ساده خود را در تمام سطوح زندگی فردی و اجتماعی ما به نمایش می‌گذارد.

کافی است به شبکه‌ای که حقیقت را برای ما در کنش‌های سیاسی یک فرد تعریف می‌کند، توجه کنیم. ما با انبوهی از رسانه‌ها روبه‌رو هستیم که اخبار جهان را به شکلی هدایت‌شده در زمینه شبکه مزبور به ما ارائه می‌دهد. مهم‌تر از آن اراده‌های سیاسی پرقدرتی است که در پس همه اینها وجود دارد؛ اراده‌هایی که با بودجه‌های طظیم همرا است، بودجه‌هایی که گاه در اموری به‌ظاهر متناقض سرمایه‌گذاری می‌کنند و بدون آنکه ما بدانیم باعث می‌شوند رفتارهای ما کنترل شوند. حتی گاهی که فکر می‌کنیم علیه نظم موجود اقدام کرده و اعتراض می‌کنیم، اقدام ما در کنه خود حاصل همان سرمایه‌گذاری‌های دولت‌های اخلاق‌گریز است.

به دلایل متعددی که بخشی به بقای ما و بخشی به وجوه اخلاقی ما مربوط می‌شود، انسان امروزه باید به بازنگری در این موضوع بپردازد. مهم‌ترین موضوعی که تأثیر این موارد را در بقای ما نشان می‌دهد، تغییرات زیست‌محیطی است. با وجود اینکه در نگاه اول اعمال ما در جهت حفظ بقای ماست، اما در نگاهی کلان‌تر باعث تخریب محیط زیست شده و بحران محیط زیست می‌تواند بقای انسان را به طور کلی تهدید کند. به نظر می‌رسد هنوز انسان این بحران را جدی نگرفته است. راه‌حل بحران زیست شامل تغییر در سیاست‌های قدرت‌های بزرگ و حتی افراد پرنفوذ است. این موضوع جنبه‌های بسیار ساده زندگی همه را تحت تأثیر قرار خواهد داد. ما باید در مصرف مواد پلاستیکی و بسیاری دیگر از مواد مصرفی خود تجدیدنظر کنیم و یک سلب‌ریتی نباید برای سفر از جت شخصی استفاده کند. با اینکه این موضوعات دیده نمی‌شود اما تأثیر فوق‌العاده‌ای بر بقای جمعی ما دارد. به طور کلی میزان رفاه شخصی‌ای که در هماهنگی با بقای جمعی تعریف شود. این موضوع می‌تواند سبب تغییرات ژرفی شده و دوباره اخلاق در عرصه عمومی و فراتر از آن در عرصه سیاسی را به بحث بگذارد. یعنی بقا -یا همان چیزی که قدرت‌ها و دولت‌ها به دنبال آن بوده و منافع خود را بر اساس آن تنظیم می‌کنند- باید ما را در موضوعات اخلاقی به توافق برساند؛ موضوعات اخلاقی‌ای که در سطحی بسیار کلان عمل کرده و این‌بار نه بقای فرد بلکه بقای گونه ما به آن وابسته است.

خبرخوانی

پابند به جای زندان

دیروز خبر آمد که «مهدی یراحی» می‌تواند از پابند برای گذراندن حکم خود استفاده کند.

۱۰۰۰متر آزادی برای مهدی یراحی

«زهرآ منبویی» از وکلای شناخته‌شده که وکالت این خواننده را بر عهده دارد، آن‌طور که ایسنا گزارش داده، در حساب کاربری خود نوشته است: «در پی ارسال پرونده موکلم آقای مهدی یراحی به شعبه اجرای احکام، با توجه به بیماری و نیاز به مراقبت‌های پزشکی، حبس یک‌ساله ایشان تبدیل به مراقبت‌های الکترونیکی (پابند بسا شعاع حرکتی هزار متر) شد. این حکم (بسا قرار وثیقه ۱۵ میلیارد تومانی) از اول اسفند اجرایی شده است. آقای مهدی یراحی بر اساس رای (شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب» به تحمل «دو سال و هشت ماه حبس تعزیری و ۷۴ ضربه شلاق» محکوم شده‌اند که بر اساس ماده ۱۳۴ قانون مجازات، یک سال از این حبس به‌عنوان مجازات اشد، قابل اجراست.» «یراحی» در متنی دردمدانه از کسانی که به نوعی از او حمایت کردند، تشکر کرده و خبر داده بود: «به آگاهی می‌رسانم که به جهت ادامه درمان، همچنان مجال حضوری پیوسته در صحنه رسانه را ندارم.»

رویکرد جدید؟

برخی از رسانه‌ها این حکم را به «آزادی» تعبیر کرده‌اند. این خواننده می‌تواند فقط هزار متر از منزل خود دور شود و وثیقه سنگین ۱۵میلیاردی برایش تعیین شده است. بااین‌حال این نحوه می‌تواند برای بسیاری از افراد جایگزین خوبی به‌جای حضور در زندان باشد. شاید خوشبینانه باشد که به نظر می‌رسد این رویکرد در حال گسترش در قوه قضائیه است. تسنیم دیروز از قول «حسین شاهرخی» وکیل «علی صوری» نیز خبری منتشر کرد که طبق آن قرار است این فرد نیز برای گذراندن چهار ماه حبس خود از پابند استفاده کند. این فرد سه سال پیش در بیمارستان با پزشک و پلیس درگیر شده بود. قاضی رای داده تا از ترفیعات قانونی و قضانی قانون ۵۰۲ بهره‌مند شده و به زندان نرود و تحت نظارت الکترونیک (پابند الکترونیک) قرار بگیرد.

بودجه ۵۰۰میلیاردی

به گزارش میزان، پابند الکترونیک، نوعی ردیاب است که برای مراقبت الکترونیک از محکومان به حبس در خارج از زندان استفاده می‌شود. محکومان واجد شرایط با نصب پابند الکترونیک می‌توانند تمام یا بخشی از مدت زمان حبس خود را خارج از زندان سپری کنند. قرارگرفتن تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی (استفاده از پابند الکترونیکی) با هدف کاستن از جمعیت زندان‌ها و جلوگیری از آلوده‌شدن فرد به محیط در ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده است، استفاده از پابند الکترونیک در تمامی جرائم تعزیری درجه پنج تا هشت (با مجازات حبس تا پنج سال)، قبل از ورود به زندان و جرائم تعزیری درجه دو تا درجه چهار پس از گذراندن یک چهارم مجازات حبس قابل اعمال است. حدود یک ماه پیش رسانه‌ها از تصویب بودجه برای پابند خبر دادند. طبق گزارش ایرنا، با تصویب مجلس ۵۰۰ میلیارد تومان برای تأمین پابند الکترونیکی برای تعداد صد هزار زندانی جرائم غیر‌خشس اختصاص پیدا می‌کند. طبق این مصوبه، این بودجه به سازمان امور زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور اختصاص پیدا می‌کند.



احسان ناظم‌بکایی: روزگاری تلویزیون با پخش سریال‌های معمایی و جنایی خارجی، شب‌های خوشی را برای مخاطبانش می‌آفرید. سریال‌های اروپایی ناوارو، ماربل، یوارو، کمیسر مولدون، درک، شرلوک هولمز و... شب‌های معمایی داعی را ساخته بودند و حتی موج شبیه‌سازی ایرانی آن با کاراکاه علوی، مزد ترس، سرنخ، هوش سیاه، ماتودر، دیوار و... تا حدی بومی‌سازی شد اما به مرور و با کاهش پخش نمونه‌های خارجی، ساخت سریال‌های داخلی هم رو به افول گذاشت. حالا چندصداحي است که ساخت این‌گونه کارهای معمایی و جنایی، نه در تلویزیون بلکه در سینما و پلتفرم‌ها رونق گرفته است. در سینما فیلم‌هایی مثل علغزار و بی‌بدن ساخته شدند و در پلتفرم‌ها، آقازاده، خونسرد، پوست شیر و حالا آخرین نمونه آن، گناه فرشته با اقبال عمومی مواجه شدند. اقبالی که نشان می‌دهد مخاطبان با وجود تغییر نسل همچنان مشتاق این گونه هستند. گناه فرشته چندین برگ برنده در مسیر دیده‌شدن دارد. یکی از شاخص‌ترین آنها، چیدمان بازیگران آن است. شهاب حسینی همیشه درخشان بعد از درخشش در نقش پلیس پوست شیر در گناه فرشته، وکیلی است که باید از دختری متهم به قتل دفاع کند. حسینی چه قباد شهروزاد باشد و چه محب پوست شیر و چه حامد تهرانی گناه فرشته، چنان در نقش فرو می‌رود و آن را باور می‌کند که مخاطب هم گریزی از همراهی با او ندارد. حسینی، درگیرانه حامد تهرانی و وکیلی پرانرژی شده که در دادگاه، لوکیشنی ثابت و بدون فضایی چندان، با قدرت بیان و بازی با بدن، میدان‌داری می‌کند. میدان‌داری حسینی در نقش حامد چنان است که نمی‌توان قبول کرد کس دیگری جز او می‌توانسته چنین نقشی را از آب و گل در بیاورد. مهدی سلطانی، امیر آقاایی و پردیس پورعابدینی اگرچه در آقازاده، سریال پیشین حامد عنقا در پلتفرم‌ها بازی کرده بودند اما در این کار با ترفندهایی درست، نقش‌های آقازاده را به پایگانی سپرده‌اند. آقاایی و سلطانی بازی‌های کنترل‌شده و سیاست‌مدارانه‌ای دارند و کنترل‌گر هستند. پورعابدینی هم که بین آقازاده و گناه فرشته، شکارچی سیمرغ شد و پارسا برای بازی در

غریب، سیمرغ نقش اول زن را صید کرد، با تجربه‌هایی متفاوت نقش متهم به قتل را بازی می‌کند. نکته مهم رویاوبی او و حسینی است و پورعابدینی در صحنه‌های دوتفره به خوبی پایه‌ای پارت‌تر کاربلدش گام برمی‌دارد. حضور به‌روز رضوی در نقش پدر حامد هم ریسک جالبی برای خود این گوینده پیش‌گسوت و هم برای تیم سازنده بود که سورپرایز چشمگیری برای گناه فرشته بوده است. خوش‌ساخت بودن گناه فرشته، برگ برنده دیگری است. حامد عنقا با تجربه فراوان در نوشتن و روزنامه‌نگاری و با اتالیز مخاطبان، رگ خواب بیننده را به دست گرفته است. می‌داند مخاطب پلتفرم چه می‌خواهد ببیند و برای همین، خوراک خاص ذائقه او می‌سازد. سریال عنقا، تمیز و شیک است و فضای زندان و دادگاهش هم خوش‌آب‌ورنگ هستند. در عین حال، صحنه‌های قتل‌ها چنان عریان و خشن هستند که اجرای آنها حیرت‌آور است. کاری که عنقا پیش از این هم در آقازاده نشان داده بود در آن تخصص دارد. صحنه‌های قتل پورعابدینی و آقاایی در آقازاده هنوز در ذهن‌ها حک شده. واقعیت این است اینکه سازنده‌ای بداند برای چه مخاطبی، چه چیزی بسازد، خودش هنری مهم به شمار می‌آید. ایجاد بالاس و تعادل میان بازی‌ها را هم باید برگ برنده دیگری دانست. بازی‌ها در تمامی صحنه‌ها کنترل شده‌اند و کسی بر کسی برتری ندارد. هارمونی نقش‌ها رنگ‌آمیزی دلپذیری دارد. اقتباس در نمایش، اهمیت زیادی دارد و پشتوانه ادبیات و داستان، حامی مستحکمی برای هر ژانر و گونه است. برعکس گونه ادبیات جنایی خارجی که پشتوانه سریال‌هایی از این دست شده‌اند و نمونه‌هایش مثل آثار آگاتا کریستی فراوانند، متأسفانه ادبیات جنایی ایران قدرت چندان‌ی ندارد که بتواند پشتوانه حوزه نمایش آثار جنایی بشود و اتفاقاً فضا در این زمینه برعکس شده یعنی سریال‌های جنایی اخیر ما چریش چشمگیری بر ادبیات جنایی دارند و شاید بتوان از تولید سریال جنایی و معماری به نگارش رمان و کتابی در این حوزه رسید. گناه فرشته از این منظر و با توجه به سابقه نویسنده‌کی حامد عنقا و تیمش می‌تواند کتابی خواندنی باشد که تکانی هم به بازار کتاب بدهد.